



## سؤالات این شماره

\* اگر سجده برای غیر خدا جایز نیست ، چرا برادران یوسف برای او سجده کردند ؟ سجده بر تربت امام حسین (ع) برای چیست ؟

\* آیا شیعه عقیده دارد خداهم گاهی از کار خود پشیمان میشود ؟ اگر چنین نسبتی دروغ است منظور از «بدا» که جزء عقائد شیعه است چیست ؟

\* \* \*

### سؤال اول

آقای م ع دانشجوی دانشکده علوم از تهران میپرسند :

خداوند در سوره یوسف آیه ۹۹ میفرماید : **ورفع ابویه علی العرش و خروا له سجدا و قال یا ابت هذا تاویل رؤیای من قبل یعنی یوسف (ع) پدر و مادر خود را بر سریر سلطنت بالا برد و پدر و مادر و برادران یوسف در پیشگاه وی بسجده افتادند، و یوسف بپدر گفت: تعبیر آن خوابی که قبلا دیده بودم همین است (چون یوسف قبلا در خواب دیده بود که خورشید و ماه و یازده ستاره در برابر وی بسجده افتادند) .**

و از طرفی در تاریخ میخوانیم که حضرت امیر المؤمنین (ع) هنگامیکه عازم صفین بودند انبوه مستقبلینی که در کنار جاده صف کشیده بودند طبق رسم و احترامی که برای پادشاهان ساسانی قبلا معمول میداشتند تا چشمانشان بآنحضرت افتاد بخاک افتادند ، امیر مؤمنان (ع) تا این منظره را دید فرمود : **چه مصیبت بی لذتی را مرتکب میشوید ، بروید پی کار خود که من هم مانند شما مخلوق ضعیف خداهستم .**

آیا این حقیقت تاریخی با آیه فوق منافات ندارد ؟

## پاسخ:

سجده بعنوان پرستش ، مخصوص ذات مقدس خداوند است و برای هیچکس غیر او جائز نیست :

پدر و مادر و برادران یوسف همانطور که در تفسیر این آیه از حضرت امام صادق و حضرت هادی علیهما السلام نقل شده است این سجده را بعنوان شکر برای خداوند بجا آوردند و چنانکه دانشمند بزرگ صاحب تفسیر مجمع البیان گفته است ضمیر له ( درخروا له سجدا ) بخداوند بر میگردد نه بیوسف یعنی سجده برای خداوند کردند .

در جریان سجده ملئکه در برابر آدم (ع) هم مطلب از همین قرار است یعنی سجده برای خدا و آدم قبله بوده است .

روی این بیان دیگر منافاتی میان آیه و مطلب تاریخی که درباره حضرت امیر مؤمنان (ع) نقل شده است وجود ندارد .

## سؤال دوم

نامبرده نیز می پرسد آیا سجده کردن بقبور ائمه (ع) جائز است یا نه ؟

## پاسخ:

همانطور که در پاسخ سؤال اول گفته شد سجده مخصوص ذات خداوند است و برای غیر او هر کس باشد جائز نیست و افرادی که چنین عملی را انجام دهند از روی جهل بمبانی مذهب است . در اینجا باید توجه داشت که پیشانی گذاشتن بمهرهائی که از خاکهای اماکن مقدسه ساخته میشود ، باین عنوان نیست که سجده برای صاحب آن اماکن واقع شود ؛ بلکه شیعه طبق احادیثی که از پیشوایان مذهب پی رسیده است در سجده برای خدا بمنظور اینکه خضوع بیشتری بعمل آمده باشد میگوید باید پیشانی را در حال سجده بر چیزی گزارد که پاک باشد و خوردنی و پوشیدنی و جزء معادن نباشد و تربت حسینی نیز خاک پاک است که بواسطه قیام حضرت حسین برای احیاء دین خدا و توحید ، شرافت بیشتری پیدا کرده است .

## سؤال سوم

آقای سید نورالدین علوی از «بجستان» سؤال میکنند :

منظور از «بدهاء» که جزء عقائد ماشعیان است چیست ؟ و آیا صحت دارد که بعضی میگویند حضرت امام صادق (علیه السلام) قبل از وفات فرزندش «اسماعیل» میفرمود : امام بعد از من فرزندم اسماعیل است ، ولی پس از آنکه اسماعیل در زمان حیات آن حضرت وفات کرد حضرت فرمود : در مورد امامت اسماعیل برای خداوند بداحاصل شد !! آیا چنین مطلبی صحیح است ؟

## پاسخ

متأسفانه موضوع «بدا» از موضوعاتی است که دستاویز عجیبی برای بعضی از مخالفان شیعه و حتی بعضی از دشمنان اسلام شده است. آنها بدون اینکه کوچکترین تحقیقی درباره این مطلب در کتابهای بزرگان شیعه و دانشمندان «عقائد و مذاهب» اسلام بکنند تنها بهمین يك کلمه چسبیده و قلمفرسائیها و تفسیرهایی که کمترین ارتباط بعقائد شیعه ندارد برای آن کرده اند؛ و مطالب موهوم و بی اساسی بمانسبت داده اند.

اینگونه تفسیرهای نابجا مسلماً کاریک دانشمندی و محقق (حتی از مخالفین) نیست، کار افراد متعصب و لجاجی است که همیشه دنبال بهانه و دستاویزی میگردند که اغراض خود را در سایه آن انجام دهند، همواره بفکر این هستند از طرف مقابل کلمه‌ای بشنوند که بتوانند برای آن تفسیرهای نامناسب و گمراه کننده‌ای بنمایند و روی آن تبلیغات مسموم و زهر آگین کنند و با اصطلاح جنگ اعصاب روی آن راه بیاندازند. لفظ «بدا» از جمله این الفاظ است در هر حال برای روشن شدن حقیقت معنی این کلمه «بدا» از نظر عقائد شیعه کافی است به بیان ساده و مختصری که ذیلاً گفته میشود توجه فرمائید (۱)

اصولاً کلمه «بدا» در لغت عرب بمعنی آشکار شدن است قرآن مجید در باره ظالمان و ستمگران میگوید و **بدا لهم سیئات ما عملوا** (سوره زمر - آیه ۴۹) یعنی در روز رستاخیز بدیهای اعمال و رفتار آنان آشکار میگردد و نتیجه کردار سوء خود را می بینند. در عبارات عربی گاهی گفته میشود: «**بدا من فلان كلام فصیح**»، یعنی از فلان شخص سخن فصیحی صادر شد، و گاهی بجای کلمه «من» «لام» گذارده میشود و میگویند: «**بدا فلان كلام فصیح**»، و معنی آن عیناً همان معنی جمله اول است، یعنی سخن فصیحی از او آشکار شد.

اکنون که معنی جمله «بدا فلان» و امثال آنرا دانستیم بر گردیم باصل مطلب. بسیار میشود که مقدمات کاری در نظر ما از هر جهت مهیاست، ولی پیش آمدهای غیر منتظره‌ای رخ میدهد و آن وضع بهم میخورد و آن کار انجام نمیشود، در اینجا گفته میشود: خدا نخواست چنین مطلبی انجام یابد، و ممکن است در همینجا کلمه «بدا» بکار برده شود و گفته

(۱) این بیان عصاره گفتار محققان و بزرگان دانشمندان عقائد شیعه در این بحث است مخصوصاً علامه بزرگوار متکلم و فقیه نامی شیخ مفید در کتاب «**اوائل المقالات**» و شرح رساله «**اعتقادات صدوق**»، بعنوان بیان عقیده علمای شیعه بیاناتی دارد که هر گونه ابهامی را در این زمینه برطرف میسازد.

شود : «بداللهانه لایریدهندها» یعنی از برای خداوند آشکار شد که نمیخواهد این کار انجام شود . بدیهی است هیچ جای این مطلب اشکالی ندارد و موضوعی است که در طول زندگی هر کس بارها واقع می شود که اموری برخلاف آنچه انتظار میرفت رخ میدهد این همان حقیقت «بدا» است حال ببینیم چگونه این موضوع با عقائد مذهبی ما آمیخته شده و رابطه پیدا کرده است ؟ ما معتقدیم (و آیات قرآن مجید و اخبار هم گواهی میدهد) که بسیار میشود مقدمات بلا و ناراحتیهائی فراهم میگردد و شاید انتظار آنها می رود اما مردم پسوی خدا میروند ، دعای کنند و دست از کارهای ناروا میکشند ، نسبت بیکدیگر خوبی می کنند و کارهای نیک انجام می دهند، و خداوند بپرکت این اعمال بلا و بدبختی و ناراحتی رامی گرداند ، این یکی از موارد بدا است . گاهی هم بعکس ، مقدمات خوشبختی و نعمت فراهم شده و مردم کارهای انجام میدهند که ورق برمی گردد . این برگشتن ورق همان بدا است .

بسیار میشود که سر نوشت انسان بر اثر اعمال او تغییر پیدای کند ، این تغییر سر نوشت همان بدامی باشد ما باین موضوع عقیده داریم و معتقدیم اعمال خوب و بد ما ممکن است مقدرات ما و اجتماع ما را تغییر دهد و این یکی از افتخارات ما است ، که سر نوشت خود را بر بوط با اعمال خود میدانیم اما در مورد اسماعیل فرزند حضرت امام صادق (ع) جریان چنین بوده است که حضرت میفرماید : «چنین مقدر بود که فرزندم اسماعیل بقتل برسد من دعا کردم و از خدا خواستم شر دشمنان را از او بگرداند ، خداوند دعای مرا اجابت کرد و فرزندم بقتل نرسید ، **بدا لله فی اسماعیل**» این مضمون حدیثی است که در بسیاری از کتب شیعه نقل شده و معنی آن با در نظر گرفتن بیانات گذشته بسیار روشن است که نه بر بوط بمسأله امامت اسماعیل بوده و نه پشیمان شدن خداوند اولی همانطور که گفتیم افراد متعصب و اجوجی که سعی دارند از هر جریانی سوء استفاده و سبپاشی کنند کلمه «بدا» را دستاویز کرده و گفته اند : شیعه عقیده دارد که خداوند گاهی از کار خود پشیمان میشود و تجدید نظر می کند ؛ همانطور که بنا بود اسماعیل فرزند برومند امام صادق (ع) بامامت برسد و بعد پشیمان گردید ! (با اینکه از نظر تمام دانشمندان شیعه هر کس چنین عقیده ای داشته باشد کافر است) .

این نسبت ناروا کجا و عقیده شیعه کجا ؟ معلوم نیست چرا اینگونه افراد حتی حاضر نیستند یکی از کتابهای بزرگان و محققان شیعه را مطالعه کنند و حقیقت را دریابند ، و بدانند **اولا** «بدا» یعنی چه و ثانیاً داستان حضرت اسماعیل چه بوده ؟ و بدائی که در مورد او واقع شد از چه قرار و بچه معنی بوده است ؟

ما امیدواریم ابرهای تاریک بدبینی و تعصب از افق آسمان اسلام کنار برود و سبپاشیهائی که مایه تفرقه و پراکندگی صفوف مسلمانان است و بوسیله افرادی اطلاع و متعصب می شود خاتمه پیدا کند